

بررسی مسائل سامان‌دهی یک آشفته بازار فرهنگی
در گفت‌وگو با مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی

محمد ناصری: استانداردها باید رعایت شود



ابراهیم زاهدی مطلق

اشاره

کتاب کمک آموزشی چیست و چه استانداردی دارد؟ این استانداردها را چه نهادی تعیین می‌کند؟ رواج کتاب غیر استاندارد در مراکز آموزشی، چه تأثیرات مخربی بر روند یاددهی - یادگیری دارد؟ آیا مقابله با کتاب‌های غیر معیار و نامناسب با اهداف آموزش و پرورش ممکن است؟ روش این مقابله چیست؟ ممکن است شما حتی کارمند و یا کارگزاری در تشکیلات آموزش و پرورش هم باشید، اما پاسخ این سؤالات را ندانید. چرا که این‌ها سؤالاتی تخصصی هستند و لازم است از زبان یک دست‌اندر کار و مسئول به آن‌ها پاسخ داده شود. این‌ها فقط بخشی از سؤالاتی است که اگر با مقوله آموزش رسمی سروکار داشته باشید، پیش روی‌تان قرار می‌گیرد.

بر ای رسیدن به پاسخ این سؤالات و سؤالات دیگری از این دست، به سراغ **محمد ناصری**، مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی رفته‌ایم؛ مدیری که مستقیماً با این مسائل دست‌به‌گریبان است. مدیری که مسئولیت دبیری

جشنواره‌ای را هم دارد که قرار است کتاب‌های آموزشی را سامان‌دهی کند. جشنواره‌ای به قدمت ۱۳ سال و برگزاری موفق ۹ دوره در دوره‌های متفاوت تحصیلی. مدیری که برای تأکید بر گفته‌هایش، از آخرین مصوبه «شورای عالی آموزش و پرورش» در موظف کردن همه دست اندرکاران تولید محصولات رسانه آموزشی به رعایت استانداردها، کمک می‌گیرد و به پشتوانه آن محکم می‌گوید که مصوبه لازم الاجراست!

ناصری پیش از آن که مدیر باشد، معلم بوده، پیش از آن که معلم باشد، نویسنده بوده است و حالا در نقطه‌ای ایستاده که علاوه بر همه این‌ها سابقه ۲۶ سال تلاش در مقاطع گوناگون آموزش و پرورش را دارد. از آن‌جا که همه سخنانش مبتنی بر آیین نامه‌ای است که امضای بالاترین مقام اجرایی کشور را دارد، می‌تواند پاسخ‌گوی مطمئن برای سؤالات ما باشد.

■ اگر اجازه دهید، گفت‌وگو را از نامه‌ای شروع کنیم که چند روز پیش

«سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» به صدا و سیما نوشته و در آن به

تبلیغ و معرفی کتاب‌های غیراستاندارد و مغایر با مصوبه «شورای عالی آموزش

و پرورش» اعتراض کرده است. دلیل نگارش این نامه چه بود و انتظار شما از صدا و سیما

در این زمینه چیست؟

سؤال خوبی است، اما قبل از پاسخ به آن می‌خواهم به طور گذرا به سابقه سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی پردازم تا مقدمه‌ای باشد برای پاسخ به سؤال شما. در دوره مدیریت جناب آقای گل‌دان ساز که دوره طلایی مدیریت «دفتر انتشارات کمک آموزشی» بود، این کار شروع شد. به این شکل که ایشان تشخیص دادند وضع نابسامانی بر کتاب‌های کمک آموزشی حاکم است. در جلسات سازمان نیز به این نتیجه رسیدند که یک معاونت در دفتر انتشارات کمک آموزشی تأسیس شود تا برای تولید کتاب‌های کمک آموزشی استانداردهایی را تعیین کند و بر این جریان نظارت دائمی داشته باشد. این طور شد که در سال ۱۳۷۸ معاونت کتاب تشکیل شد.

این معاونت کارهای دیگری هم انجام می‌داد که چون موضوع صحبت ما نیست، از آن می‌گذریم؛ البته نام‌بردن از سرفصل‌های آن هم خالی از لطف نیست. از جمله این سرفصل‌ها می‌توان به کتاب‌های الگویی مثل «چهره‌های درخشان» یا «طرح چلچراغ» و «کتاب‌های تاریخ» اشاره کرد. همین طور است کتاب عظیم «موسوعه امام حسین» (علیه السلام) که باز هم محصول همان تصمیم بود. این جریان یک دهه ادامه پیدا کرد. ما در همان دهه اول هم اهدافمان را که می‌گفتیم، اعلام می‌کردیم که: «سیاست گذاری، استانداردسازی، و هدایت کتاب‌های غیر درسی است.»

صدا و سیما
جمهوری اسلامی، کتابی
را مجاز است تبلیغ کند که
استانداردهای آموزش و
پرورش را داشته باشد

بعد از آن که دهه اول تمام شد، یعنی پس از آن ۷ دوره برگزاری جشنواره و انتشار حدود ۴۰ کتاب نامه رشد و فصل نامه‌های جوانه، به این نتیجه رسیدیم که باید کارمان را وارد مرحله دیگری کنیم که از این همه کار، برداشت مطلوب هم داشته باشیم.

■ این تصمیم کی گرفته شد و چه عاملی باعث شد که فکر کنید باید طرح سامان‌دهی را وارد مرحله‌ای دیگر کنید؟

سال ۱۳۸۷، من به عنوان مدیر مجموعه، وارد این دفتر شدم. همان سال در همایش تنکابن بود که با جناب آقای دکتر محمدیان، رییس سازمان در این باره صحبت کردیم. تصمیم گرفته شد، برای این که سامان‌دهی به نقطه مطلوب برسد، از جاهای دیگری هم همراهی بخواهیم. برای مثال، ما می‌آییم کتاب‌های مناسب را در کتاب‌نامه‌هایمان معرفی می‌کنیم، اما معاونت پرورشی به آن توجه نمی‌کند و کار خودش را می‌کند. یا رسانه‌هایی مثل صدا و سیما، به دلیل مسائل بازرگانی و آگهی‌هایشان، کتاب‌هایی را تبلیغ می‌کنند که ممکن است در کتاب‌نامه ما باشد یا نباشد. به همین دلیل، باید تشکیلاتی فراتر از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قانونی را وضع می‌کرد که سایر نهادها را هم ملزم می‌کرد، مطابق استانداردهای سازمان پژوهش به معرفی کتاب و تبلیغ آن بپردازند و این استانداردها را رعایت کنند. آقای دکتر محمدیان فرمودند این قانون را به تصویب شورای عالی آموزش پرورش برسانیم که انجام شد و حاصل آن، مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش است.

برای تهیه این مصوبه هم تلاش بسیاری انجام شد. جناب وزیر آموزش و پرورش هم در جلسات شرکت کردند و بعضی معاونین ایشان هم همین طور تا آیین‌نامه‌ای تهیه شود که فراتر از کتاب‌های آموزشی را هم شامل شود. می‌دانید که این مصوبه علاوه بر کتاب، چند رسانه‌ای است و شامل موادی به جز کتاب هم هست. مصوبه ۸۲۸ اوایل امسال با امضای ریاست جمهوری به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شد. بند ۷ آن می‌گوید: «مشارکت و همکاری معاونت‌ها، سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور در اجرای این مصوبه الزامی است.» معنی‌اش این است که صدا و سیما جمهوری اسلامی، کتابی را مجاز است تبلیغ کند که استانداردهای آموزش و پرورش را داشته باشد. در واقع، آن کتاب باید مجوز تبلیغ داشته باشد. آن نامه‌ای که شما ابتدا اشاره کردید، در پی گیری همین مصوبه بود.

■ آیا پس از آن نامه، باز خوردی به صورت کتبی یا شفاهی، از صدا و سیما داشته‌اید و یا تأثیری در تبلیغ‌های صدا و سیما داشته است؟

چند روز پس از آن نامه بود که فهرست بلند بالا از چند ناشر بزرگ که اتفاقاً کتاب‌هایشان در صدا و سیما تبلیغ می‌شود، به دفتر ما رسید که خواسته بودند، کتاب‌هایشان را بررسی و در صورت تأیید اعلام کنیم. درخواست ناشران نشانه خوبی از تأثیر آن مصوبه بود. معلوم بود که مصوبه

مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش صدا و سیما را به تجدید نظر و ناشران را به نگارش نامه واداشته است

شورای عالی آموزش و پرورش، صدا و سیما را به تجدید نظر و ناشران را به نگارش نامه واداشته است. فهرست این ناشران بررسی شد و ما به یکی از نامه‌هایشان جواب دادیم. به این صورت که فقط کتاب‌هایی از آن ناشران را که در کتاب‌نامه رشد بود، تأیید کردیم. به نظر ما، این اتفاق بازتاب همان نامه بود و البته ادامه هم خواهد داشت. ما یک دبیرخانه دائمی سامان‌بخشی خواهیم داشت که خیلی جدی به کارش ادامه خواهد داد. یعنی این مصوبه را از همه جاهایی که با کتاب‌های کمک آموزشی مرتبط هستند، مطالبه خواهد کرد و بر اجرای آن نظارت خواهد داشت. اتفاق دیگر هم این است که این مصوبه به سایر ادارات کل استان‌ها هم ابلاغ شده است.

■ از ادارات کل استان‌ها چه انتظاری می‌رود؟

انتظار داریم، کتاب‌هایی که برای مدارس استان‌ها می‌خرند، واجد استانداردها باشد و در کتاب‌نامه آمده باشد.

■ آیا شما بر چاپ کتاب‌های کمک آموزشی هم نظارت خواهید کرد؟

خیر، ما فقط بر ورود کتاب به مدارس نظارت داریم. ناظر چاپ کتاب در هر جایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. ممکن است کتابی از نظر وزارت ارشاد مجوز چاپ داشته باشد، اما امکان و مجوز ورود به مدرسه را پیدا نکنند. ما استانداردهای خودمان را رعایت می‌کنیم. به این صورت که اگر معلمی یا مدیری بخواهد کتابی را به دانش‌آموزان معرفی کند، باید آن کتاب از طرف ما تأیید شده باشد. جالب است بدانید که پس از آن مصوبه، از طرف ادارات کل هم کتاب‌هایی به دستمان می‌رسد که درخواست مجوز دارند. من بر نکته‌ای هم تأکید کنم. ماده ۶ مصوبه خیلی محکم گفته است: «خرید، عرضه و تبلیغ هر منبع آموزشی و تربیتی در واحدهای آموزشی، صرفاً از منابع مجاز و استاندارد خواهد بود.»

تا موقعی که این مجوز نبود، ناشران بزرگ سازوکار مهم و تأثیرگذاری در واحدهای آموزشی داشتند. آن‌ها برای تبلیغ کتاب‌های خودشان سرمایه‌گذاری عظیمی کرده بودند. این ناشران، مستقیم با مدیران مراکز آموزشی مرتبط بودند. قبل از این مصوبه، مدیر مدرسه به زغم خودش و به کارشناسی خودش ممکن بود یک کتاب را به تعداد همه دانش‌آموزان تهیه کند. تا این‌جا شاید اشکالی نداشته باشد؛ حالا چه به دلیل همان تبلیغات ناشران و یا به هر دلیل دیگر. خوب، از این به بعد، آن مدیر محترم مدرسه یا معلم محترم باید تشخیص دهد آن کتابی که به زور تبلیغ یا هر دلیل دیگر می‌خواهد به دانش‌آموز معرفی کند، آیا واجد استانداردهای ما که اهداف آموزش و پرورش را پوشش می‌دهد، هست یا نیست. به این شکل معلوم می‌شود که این بخش‌نامه در استان‌ها خیلی مؤثر خواهد بود. چرا که بعضی از آن‌ها از استانداردها اطلاع چندانی هم نداشتند. حالا این آیین‌نامه که از طرف معاون محترم وزیر به استان‌ها ابلاغ شده است، آن‌ها را حساس می‌کند که به مصوبات و کتاب‌نامه رشد توجه داشته باشند. این همان گلوگاه حساسی است که باید مراقبت

اگر معلمی یا مدیری بخواهد کتابی را به دانش‌آموزان معرفی کند باید آن کتاب از طرف ما تأیید شده باشد

شود هر کتابی که ممکن است سودمند نباشد، وارد کتابخانه مدارس نشود.

■ آقای ناصری، به راستی کتابهایی که شما این همه از ورود آنها به مدارس نگران هستید، چه آسیبی ممکن است به دانش آموزان بزنند؟

این کتابها عمدتاً سودمندی تجاریشان بیشتر از سودمندی علمیشان است. به این صورت که غالباً مثل همان کتابهای حل المسائل قدیم عمل می کنند. دانش آموزی که باید جستجوگر و پرسشگر بار بیاید، پخته خوار، راحت طلب و فراری از آنچه هدف آموزش و قصد مدرسه است، بار می آید.

■ نگارش و ارسال نامه به صدا و سیما نشان می دهد که مسئول حسن اجرای آن مصوبه هم سازمان پژوهش است. شما چه سازوکاری برای نظارت و احیاناً جلوگیری از تخلفات احتمالی دارید؟ آیا ابزارهای این نظارت هم دست شماست و آیا رسیدگی به مراکز آموزشی یا مدارس که تخلف کنند هم به عهده شماست؟

دقیقاً ببینید، کتابهای کمک آموزشی از کتابهای درسی که بالاتر نیستند. اگر کسی در مدرسه ای کتاب درسی را کنار بگذارد مرتکب کار خلافی شده است، کما این که به ندرت این اتفاق هم افتاده بود و در بعضی مدارس تهران گفته بودند کتاب درسی را خودتان بخوانید و ما کتاب دیگری را تدریس خواهیم کرد. همان واحد که واحد حراست ادارات و مناطق و استان و ارزش یابی شکایات است، و در کار کتابهای درسی وارد می شود، در این موضوع هم وارد می شود و به آن هم رسیدگی خواهد کرد.

■ به خاطر داریم که از همان اولین دوره های جشنواره که بحث سامان دهی مطرح می شد، برخی ناشران می پرسیدند که آیا قرار است به ما امر و نهی شود که چه بکنیم و چه نکنیم؟ همان موقع هم جواب مسئولان وقت این بود که خیر، قرار است سامان دهی شود. حالا پس از ۱۰ سال شما ناچار شده اید مصوبه تحکم آمیز ابلاغ کنید. آیا در این مدت مسئولان نتوانسته اند ناشران و همین طور مدیران مدارس را قانع یا وادار به اجرای تصمیمات طرح سامان دهی کنند؟

خوش بختانه روح این آیین نامه تشویق، هدایت و نظارت بر فعالیت کسانی است که رسانه آموزشی مناسبی را تولید می کنند و عمدتاً هم بخش خصوصی است. این بخش نامه می گوید: «ای کسانی که به کمک آموزش و پرورش آمده اید و مواد آموزشی تولید می کنید، دست شما درد نکند. ما به شما می گوئیم که اهداف این ماده درسی چیست و استانداردهایش کدامند. مواد و مصالحی که قرار است به مدرسه بیاید، باید استنادردی داشته باشد که آن را ما تعیین می کنیم. شما بیاید این استانداردها را رعایت کنید تا به ما و دانش آموزان کمک کرده باشید. ما نه تنها مانع کار شما نیستیم، بلکه بهترین های شما را تقدیر هم می کنیم و جایزه هم می دهیم. جریان این آیین نامه، در واقع توسعه اهداف آموزش است.»

■ آیا آماری هم از رشد و توسعه توجه ناشران به استانداردهای خودتان دارید؟

بله. در سال اول که استانداردها و معیارهای ما اعلام شد، فقط ۱۸ درصد از کتابها مطابق استاندارد بودند. اما پس از ۱۰ سال، حالا که من با شما صحبت می‌کنم، بالغ بر ۵۰ درصد از کتابها استانداردها را رعایت کرده‌اند؛ بدون این که ضرب و زوری باشد. وقتی ناشر بزرگی برای تبلیغ تلویزیونی‌اش کتاب را به این‌جا می‌فرستد و درخواست تأیید دارد، یعنی این‌جا را به رسمیت شناخته و پذیرفته است که ضرورت دارد استانداردها را رعایت کند. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش یک دهه را به تشویق، ترغیب، رفاقت، همراهی و تبیین اهدافش گذرانده است، اما حالا احساس می‌کند که ممکن است کسانی بخواهند از این مسیر قصد سودجویی داشته باشند، پس باید به طور جدی وارد شد. با ابزارهای قانونی از حریم معیارهای آموزشی دفاع کرد و با قانون گریزها مامشات نکرد.

در سال اول که استانداردها و معیارهای ما اعلام شد، فقط ۱۸ درصد از کتابها مطابق استاندارد بودند. اما پس از ۱۰ سال بالغ بر ۵۰ درصد از کتابها استانداردها را رعایت کرده‌اند

■ به نظر می‌رسد که لازم است با ناشران یا تولید کنندگان مواد

درسی کمک آموزشی جلسات توجیهی داشته باشید تا مصوبه‌ها را برایشان تبیین کنید. آیا تا کنون چنین نشست‌هایی داشته‌اید یا در برنامه‌هایتان دارید؟ حتی به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت کتاب درسی، صدا و سیما هم باید نشست‌هایی با شما داشته باشد و به صورت میزگرد این مباحث را مطرح و رسانه‌ای کند. آیا از طرف سیما هم دعوتی داشته‌اید؟

کاملاً درست است. ما فصل‌نامه‌ای داریم با نام «جوانه» که در آن میزگردهای فراوانی داشته‌ایم. اما به آن صورت که شما می‌گویید، شاید لازم بود که بیشتر از این هم کارمان را توضیح می‌دادیم و تشریح می‌کردیم. شاید بهتر بود که صدا و سیما را هم بیشتر از این که هست، حساس می‌کردیم تا احساس ضرورت کنند. بله، به نظر من هم بهتر است زمینه‌ای در سیما به وجود بیاید که این موضوع را به اقتراح بگذارند و به چالش بکشند؛ چرا که موضوعی عام است و به همه فرزندان این مملکت مربوط می‌شود. به فرزندان کارمندان و برنامه‌سازان صدا و سیما هم مربوط می‌شود. فکر می‌کنم در دهه دوم یکی از وظایف ما همین باشد.

■ عرض من این است که سه ضلع مدرسه، دفتر انتشارات کمک آموزشی، و ناشران را باید خوب به هم وصل کنید.

به نظر ما، معلم‌ها و مسئولان مدرسه مرجع مهم و قابل اعتمادی برای خانواده‌ها هستند. اگر ما بتوانیم معلم را متقاعد کنیم که این استانداردها را بداند و اهمیت آن را برای خانواده‌ها شرح دهد، موفق شده‌ایم که این جریان را عمومیت ببخشیم، چرا که مدرسه مهم‌ترین مکان است و مرکزیت دارد.

■ شما در جشنواره کتاب رشد، جریان انتخاب کتاب برتر و تقدیری یا برگزیده را

دارید. این انتخاب‌ها تا چه اندازه به استقبال مخاطب از آن کتاب منجر شده است؟ آیا آماری دارید؟

سؤال خوبی است. ما در دههٔ دوم به صرافت افتادیم که ببینیم بالاخره این همه داوری و انتخاب به چه کاری می‌آید و چه حمایتی را باید برای ناشر داشته باشد. به همین دلیل هم به سراغ این مصوبه رفتیم که جریان انتخاب کتاب ما، علاوه بر مطرح شدن در کتاب‌نامه، شکل جدی‌تری از حمایت را هم داشته باشد و تأثیر مهم‌تری بر جریان یادگیری و یاددهی بگذارد. بند ۱۵ اساسنامهٔ اجرایی مدارس می‌گوید: «یکی از وظایف شورای معلمان انتخاب کتاب‌های آموزشی برای مدرسه است.» اما این قید را دارد که: «برحسب مقررات». ما می‌خواهیم کتاب‌های مناسب را به شکل مؤثر به مدارس معرفی کنیم. یعنی شرایطی فراهم کنیم که بین تولید کنندهٔ کتاب مناسب و مصرف کنندهٔ آن که مدارس باشند، ارتباط برقرار شود. حالا آیا مدرسه مجبور است کتاب را بخرد؟ جوابش منفی است. مدرسه هیچ اجباری برای خرید ندارد. ما فقط می‌خواهیم این ارتباط را برقرار کنیم تا کتاب خوب و مناسب به مدرسه معرفی شده باشد.

اگر ما بتوانیم
معلم را متقاعد کنیم
که استانداردها را بداند و
اهمیت آن را برای خانواده‌ها
شرح دهد، موفق شده‌ایم

نکتهٔ دیگری را هم اضافه کنم. در «جشنوارهٔ شهید غنی پور»، من که دبیرجشنواره بودم، به آقای دری، معاون محترم وزیر ارشاد گفتم این جشنواره ارزشمند است و کتاب‌های برگزیدهٔ آن هم از جریان داوری قابل قبولی می‌گذرد. انتخاب ما در این جا نوعی پیشنهاد کتاب خوب و ارزشمند است. چه خوب است که شما هم حمایت بفرمایید و یک چاپ از کتاب‌های برگزیدهٔ این جا را بخرید. ایشان همان جا اعلام کرد که می‌خریم. حالا من یا سایر دست اندرکاران جشنواره نباید دنبال آن باشیم که خریدند یا نخریدند. ناشر اثر باید برود و مطالبه کند. چه بسا این پی‌گیری‌های ناشران به توافق‌هایی بینجامد. همین حالا هم می‌توانیم در بیانیهٔ خودمان این را بگنجانیم که حاصل کتاب‌های برگزیدهٔ جشنواره و حمایت از آن‌ها چه می‌شود.

■ **دلم نمی‌خواهد به این راحتی از رسانه ای مهم مثل صدا و سیما بگذریم. دیده‌ایم که در آستانهٔ برگزاری کنکور برنامه‌هایی می‌گذارند برای یاد دادن نحوهٔ تست زدن؛ یعنی همان کاری که از اساس با اهداف آموزش و پرورش مغایر است. حالا شما از همین رسانه انتظار دارید با چه شیوه و چه روشی به کمک شما بیاید و چگونه معضلات را به چالش بکشد؟ آیا اصلاً انتظاری دارید و اصلاً گمان می‌کنید که کمک کارتان باشند؟ به عنوان آخرین سؤال این را هم اضافه کنیم، شاید هم افاقه کرد!**

متأسفانه در جامعهٔ ما در این خصوص ناهماهنگی‌های زیادی وجود دارد. شما به این سؤال جواب بدهید که به جز کتاب درسی، به طور کلی به مقولهٔ کتاب، همین رادیو و تلویزیون چه قدر اهتمام داشته است؟ واقعاً شما از پرداختن سیما به کتاب یا صدای جمهوری اسلامی به مقولهٔ کتاب و نقد

و بررسی و معرفی آن راضی هستید؟ فکر نمی‌کنم کسی پیدا شود که از کار تلویزیون در زمینه کتاب راضی باشد. اما مسئله مهم‌تر این است که در جامعه ما هر وقت وظیفه یک نهاد را به او یادآوری می‌کنی، انگار مفری پیدا کرده باشد، وظیفه‌اش را می‌اندازد به دوش شما. مثلاً همین رادیو و تلویزیون. همین که بگویی در فلان مورد ضرورت دارد برنامه‌ای ساخته شود، سریع می‌گویند ما آنتن را می‌گذاریم در اختیار شما. بیا بید و خودتان برنامه بسازید! این که نشد جواب. ما که کارمان برنامه‌سازی نیست. ما شاید بتوانیم کارشناس به شما معرفی کنیم، اما نمی‌توانیم بودجه برنامه را تأمین کنیم. آن‌ها با این جواب‌ها در واقع از زیر مسئولیت شانه خالی می‌کنند. امیدواریم در این برنامه، به دلیل آن که کار مربوط به همه فرزندان، دیگر با این منطق جلو نیایند. شاید هم از این رسانه فرصتی فراهم شد تا کاری برای نسل آینده به انجام برسانیم.

■ خیلی ممنون آقای ناصری. متشکرم که وقت گذاشتید و به سؤالات ما جواب دادید.

خواهش می‌کنم. ما هم امیدواریم از این طریق به سؤالات جدی تولید کنندگان کتاب‌های کمک آموزشی و مدیران مراکز آموزشی و معلمان در این مورد جواب داده باشیم.

